

موعود

انتشارات بسیم دانشجویی
مرکز آموزش عالی شهید مطهری فوی
استان آذربایجان غربی

آنچه در این شماره می خوانید:

ویژه نامه عید غدیر خم



بیوگرافی و روش تدریس ماریا مونتسوری

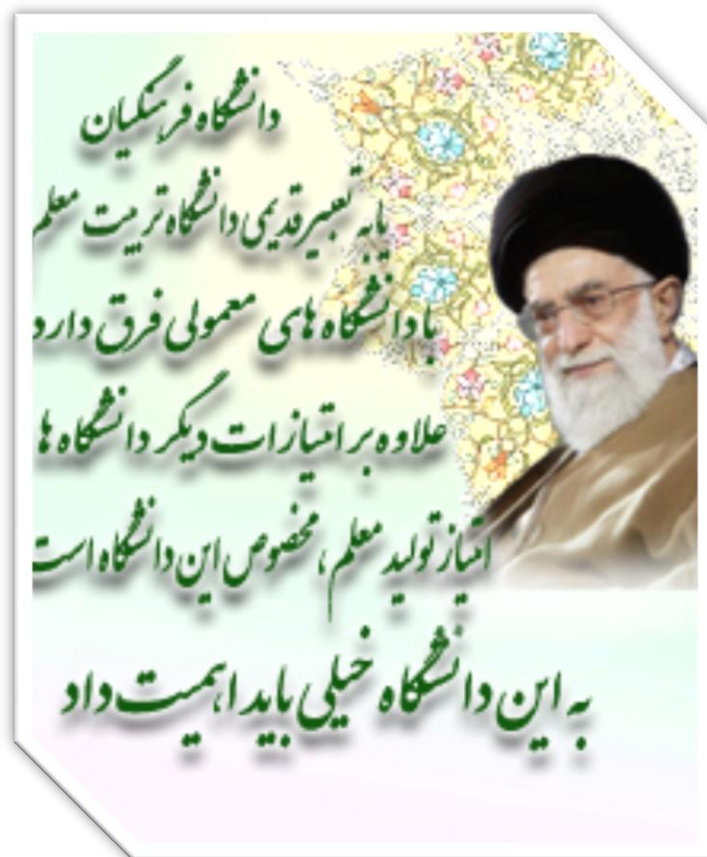


مصاحبه با معاونت آموزشی مرکز

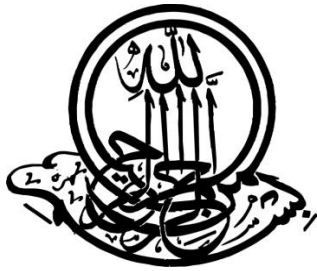


داستانک ها و طنزنامه ها





امام علی (ع): من که علی، هستم اسلام را به شکی تعریف میکنم که قبل از من کسی این چنین بیان نکرده است و نه شخصی
حتی بعد از من، مگر به همان طرز من بیان نموده ام. اسلام یعنی تسلیم بودن، تسلیم عبارت است از یقین و یقین همان
تصدیق است و تصدیق، اقرار. اقرار هم عمل کردن و انجام دادن است. مومن دین خود را از رای و عقیده خود نمیگیرد بلکه
دین خود را از پروردگار متعال فرامیگیرد.



نشریه دانشجویی موعود

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مرکز آموزش عالی شهید مطهری خوی

تحت نظارت: بسیج دانشجویی شهرستان خوی

مدیر مسئول: قهرمان مددلو

مدیر اجرایی: راضیه سیدی

سردبیر، ویراستار، طراح صفحات و طراح
روی جلد: فاطمه محمدزاده

گروه نویسندگان این شماره به ترتیب حروف
الفبا: رویا اسدی، فاطمه بابازاده، زهرا رحمتی،
رنا کلوانی، فاطمه عباس زاده، یگانه عمرانی

آدرس دانشکده: آ-غ، خوی، بلوار ولایت فقیه،
رو به روی بازار مرزی رازی

آدرس وبسایت: <http://motahari.cfu.ac.ir>

وبلاگ: Farhangian-khoyuni.blogfa.com

ایمیل برای ارسال مطالب:

mouoodnameyekhoy@gmail.com

صفحه

عناوین

- 1.....سرمقاله
 - 1.....شعر منتظر شهریار
 - 2.....از دانشگاه چه خبر؟
 - 3.....فرازی از زندگی شهید عدالت
 - 4.....خوی نامه
 - 5.....بیوگرافی و روش تدریس ماریا مونته سوری
 - 6.....Education for All
 - 7.....مصاحبه (سرپرست و معاونت آموزش مرکز)
 - 9.....ویژه نامه عید غدیر خم
 - 10.....داستانک و طنز نامه
 - 11.....اوتیسم (Autism)
 - 13.....نقش معلم از دیدگاه ابوعلی سینا
 - 14.....صفحه اختصاصی دانشجوی موفق
- کتابنامه

از دانشجویان خوش ذوق و خوش قلم و البته
علاقمند دعوت می شود برای همکاری در
شماره های بعدی دعوت به عمل می آید.

مطالب خود را با ذکر نام و نام خانوادگی،
شماره دانشجویی و شماره تلفن همراه به آدرس
نشریه ایمیل کنید تا با عضویت در محفل
نویسندگان موعود، مطلبتان با نام خودتان چاپ
شود.

۱. منبع دقیق مطلبتان را ذکر بفرمایید.
۲. مسئولیت درستی مطالب به عهده
نویسنده آن است.
۳. سردبیر اجازه ویرایش مطالب را خواهد
داشت.

سر مقاله

حمد و ستایش خدایی را که اول است و پیش از او اولی نبود و
آخر است بی آن که بعد از او آخری باشد...

ماه بود که من و چند نفر از دانشجویان در فکر باز نشر دوباره
کتابنامه موعود بودیم که قبل از بدین مرکز (تریت معلم
سابق) منتشر می شد؛ کتابنامه ای که همه دانشجویان و

استادان مرکز در نشر آن همکاری کنند زیرا که نشریه متعلق به
همه آنهاست. عاقبت با لطف خدا و با همکاری مسئولان
مرکز و بسیج دانشجویی این هدف محقق شد. جادارد بهین جا
نهایت سپاس گذاریم را از سرپرست دانشکده، معاونت
فرمانی مرکز و ریاست محترم بسیج و اعلام کنم.

امیدوارم اولین شماره از نشریه موعود که به کوشش جمعی از
دانشجویان مرکز آموزش عالی شهید مطهری نوی تهیه شده با
تمام کاستی های بزرگ و کوچک آن مورد توجه شما
دانشجو معلمان عزیز قرار گیرد.

سر دبیر: فاطمه محمدزاده

ای آفتاب ماه ای از روی ماه تو
مه بر لب افق لبه ای از کلاه تو
لر زنده چون کواکب گاه سپیده دم
شمع شبی سیاهم و چشمم به راه تو
کی میری به رحم خونین چون شفق
خورشید و مه سری به سنان سپاه تو
ای دل فزیب جادوی منتاب شب منور
زلفش کشیده نقشه روز سپاه تو
شام به حال پای تو گل با شکفته اند
ما هم یکی شکسته و مسکین کیه تو
من روی دل به کعبه گوی تو داشتیم
کامندای غیب که این است راه تو
یک نوک پاه جادو چو پایم بیا
کز دپسین لاله کنم تکیه گاه تو
آینه ساز مت همه چشمه سارها
وز چشم آهوان بنوازم نگاه تو
بعد از نوای خوابه شیراز شهریار
دل بسته ام به ناله سیم سه گاه تو

چه خبر از دانشگاه؟



روز شنبه مورخه 1393/7/5 شاهد برگزاری مراسم گرامیداشت هفته دفاع مقدس و جشن بازگشایی دانشگاه بودیم. در این مراسم آقای مددلو، معاونت آموزشی مرکز به مهمانان دانشکده که از سپاه پاسداران و بسیج دانشجویی تشریف فرما شده بودند خوش آمد گفته و در مورد پاره ای از مسائل دانشگاه با دانشجویان صحبت کردند. بعد از ایشان، آقای فتح الله نوسی رزمنده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، از خاطرات هشت سال دفاع مقدس برای دانشجویان تعریف کرده و با حال و هوای آن روزها بیشتر آشنا کردند. در پایان مراسم از کارکنان جانباز مرکز و دانشجویان موفق با اهدای هدایایی تجلیل شد.



روز دوشنبه مورخه 1393/7/7 جمعی از دانشجویان مرکز، در جشنواره بین المللی فیلم مقامت که در سالن ارشاد شهرستان خوی برگزار شده بود شرکت کردند.



با بازگشایی دوباره مرکز، کانون ها شروع به عضو گیری و فعالیت کرده اند. از کانون های مرکز می توان به کانون های هنرهای تجسمی، هنر های نمایشی، قرآن و مهدویت، آی تی، عفاف و حجاب، مهارت های معلمی، هلال احمر و ... اشاره کرد.

شهید ولی حاجی قلیزاده در تیرماه 1344 در یک خانواده بافضیلت و معنوی در شهر دارالمومنین خوی دیده به جهان گشود. دوره کودکی شهید در همان محله با پاکي و خلوص در کنار خانواده زحمت کش و برادر شهیدش سپری گردید. دوره ابتدایی و راهنمایی را در دبستان شهید هاشمی نژاد کنونی و مدرسه شهید مفتاح سپری کرد. شهید بزرگوار در دوره راهنمایی بود که بخاطر روح لطیف و پاکش در کارهای مذهبی و برپا داشتن نماز و شعائر دینی تلاش می کرد و دبیرستان امیرکبیر نیز در کنار تحصیل، فعالیت های مذهبی و مطالعات دینی خویش را ادامه داد. در سال 1362 پس از اخذ دیپلم وارد مرکز تربیت معلم شهید مطهری خوی شد و پس از اخذ مدرک کاردانی وارد آموزش و پرورش شد و به عنوان مربی پرورشی به خدمت مشغول شد. در این دوران بود که عشق به جهاد و شهادت ایشان را راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل نمود. خانواده شهید با تقدیم نمودن یکی از فرزندان خود بنام شهید کاظم حاجی قلیزاده در این برهه نیز سرافرازانه سپری کردند. روح لطیف و روحیه کمک به دیگران شهید از همان دوران نوجوانی نمود پیدا کرد. در دوران جوانی از مصاحبت و رفاقت مستحکمی با دوستان و آشنایان بر خوردار بود و گرفتاری هیچ کدام از آنها را تاب نمی آورد و مدام در تلاش بود تا به نحوی مشکلات آنان را حل کرده و تسلی خاطر برای مردم و خویشاوندانش باشد. او ضمن گذاردن خدمت صادقانه در آموزش و پرورش دوبار اقدام به تحصیل در دانشگاه نمود ولی هیچ کدام عیش درونی شهید را سیراب نکرد. در دوران تدریس در مدارس شهرستان شاهین دژ علی رغم اولین تجربه تدریس به عنوان معلم نمونه انتخاب گردید این امر خود گواهی بر عشق خدمت ایشان نسبت به مردم بود. بعد از مدتی به خوی منتقل و به عنوان مسئول امور تربیتی اداره آموزش و پرورش انتخاب و به خدمت مشغول شد. در حین خدمت در این مسئولیت تقدیر الهی زمینه های لازم را فراهم کرد تا شهید در آزمون ورودی دانشکده علوم قضایی پذیرفته شده و با ورود به این دانشگاه وارد مرحله جدیدی از زندگی پر خیر و برکت خویش گردید. چهار سال مدت تحصیل و یک سال دوره کار آموز را با موفقیت به پایان برده و سر انجام در نوزده بهمن سال 1373 با ابلاغ قضایی به عنوان قاضی تحقیق در دادگستری شهرستان خوی به خدمت مشغول شد. شش ماه بعد، از قاضی تحقیق شعبه اول دادگاه به عنوان دادرس علی البدل همان شعبه و سپس به سمت دادرس محاکم عمومی و رئیس دادگاه شعبه 11 عمومی ارتقاء یافت. دو سال بعد به عنوان معاون قضایی دادگستری همزمان با ریاست شعبه 11 منصوب و در سال 83 به دلیل تخصص و درایت به عنوان دادستان عمومی و انقلاب اسلامی شهرستان خوی منصوب گردید. شهید حاجی قلیزاده زندگی مشترک خود را در سال 75 آغاز کرد که حاصل آن یک پسر و یک دختر می باشد. پس از تشکیل خانواده، دغدغه احقاق حق و اجرای عدالت باز هم او را به مسیر ادامه تحصیل در رشته حقوق با گرایش جزا و جرم شناسی در مقطع کارشناسی ارشد کشاند و از محضر اساتید بزرگوار همچون آیت الله قلیله ای خویی بهره ها برد و طولی نکشید که به عنوان **مرد حق و عدالت** زبانزد عام و خاص شد. دادستان شهید علاوه بر رتق و فتق امور دادستانی تدریس 20 واحد از رشته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی و ماکو و دانشگاه پیام نور خوی را بر عهده گرفت. روزها می گذشت و تلاش و کوشش ستودنی این شهید بزرگوار زبانزد خاص و عام شهر شده بود و دفتر این شهید محل رجوع افراد مستضعف و ستمدیده بود. عملکرد حق طلبانه و عدالت خواهانه و بر خورد قاطع با معضلاتی همچون زمین خواری، جرایم اقتصادی، امنیتی، ربا خواری و فراهم نمودن موجبات رهایی بسیاری از قربانیان ربا از زندان ها از عوامل محبوبیت این شهید بزرگوار بود. این شهید در راه آزادی زندانیان دیه تلاش هایی بی نظیر انجام داد تا بدانجایی که مراسم جشن گلریزان و مبالغ جمع آوری شده در این جشن همه ساله در کشور رتبه اول و دوم را از نظر کمک به زندانیان دیه کسب می نمود به گونه ای از طرف خانواده های زندانیان و مسئولین قوه قضائیه مورد تقدیر و تشکر قرار می گرفت. طولی نکشید که آوازه خدمات دادستان عادل و رزمنده شجاع از مرز های استانی نیز فراتر رفت و چندین بار به عنوان دادستان و قاضی نمونه انتخاب گردید و چندین بار توسط ریاست محترم قوه قضائیه و معاون اول ایشان مورد تقدیر و تشکر قرار گرفت بطوری که تحسین هر بازرس و آگاه به کار قضاوت را بر می انگیزد. در طول سالیان شهید عدالت بار ها برای خانواده زندانیان نیازمند و سایر افراد زمینه کار، وام و حتی کمک نقدی را فراهم می کرد بطوری که دفتر شهید حاجی قلیزاده مامن و پناهگاهی برای افرادی که مشکلی داشتند بود. شهید هیچ کس را از دفترش تردد نمی کرد. در حد توان و اکثر اوقات بطور کامل مشکلات مراجعین برطرف می کرد. شهید خود در آن زمان به یکی از دوستان گفته بود که بعضی اوقات روزانه بیش از سیصد نفر به دفتر شهید مراجعه می کردند. هید حاجی قلیزاده معتاد را یک بیمار می دانست که باید درمان شود. به همین خاطر با تلاش و پشتکار فراوان مرکز ترک اعتیاد عین الحیات را راه اندازی نمود. این مرکز بزرگترین مرکز بازپروری معتادان در غرب کشور است که بالاترین استاندارد های بهداشتی را دارا می باشد و امید خانواده هایی است که می خواهند از این بلای خانمان سوز رهایی یابند. این مرکز به عنوان نمونه کشوری و بین المللی شناخته شد و به عنوان نمونه توسط سازمان ملل به سایر کشور ها معرفی گردید. ساختمان انجمن حمایت از زندانیان از دیگر یادگار های شهید است. این ساختمان به همراه ماشین آلات سبک و سنگین خود که در خدمت خانواده های زندانیان نیازمند است با تلاش و دور اندیشی آن شهید بزرگوار به ثمر رسیده است. شهید حاجی قلیزاده با فراهم نمودن زمینه کار و حرفه آموزی برای زندانیان بی خطر ضمن تامین بخشی از هزینه زندگی خانواده آنها زمینه کسب مهارت را برای آنها فراهم می نماید تا بعد از آزادی از زندان بتوانند چرخ زندگی خویش را بگردانند. شهید حاجی قلیزاده به دلیل جایگاه رفیع مردمی و والایش علی رغم مشغله فراوان در مسئولیت هایی همچون عضویت در شورای فرهنگ عمومی خوی، ریاست مجمع خیرین دانشگاه ساز پیام نور خوی، عضویت در مجمع خوبی ها، ریاست انجمن حمایت از زندانیان و ... حضور داشت و این مجموعه ها با تجربیات و هدایت های آن شهید اداره می شدند. شهید با همکاران خود در دادگستری نیز مهربان بود و همواره برای رفع مشکلات آنان در تلاش بود که نمونه بارز آن تلاش و پیگیری فوق العاده برای تکمیل خانه های سازمانی دادگستری که اصرار داشت که حتما باید آماده شود و چند روز پس از شهادت ایشان با نصف هزینه مصوب آماده و بنام شهید حاجی قلیزاده افتتاح گردید. اما اوج زیبایی انسان در شهادت است. انسان با شهادت نمی میرد بلکه جاودانه می شود چرا که خود قرآن می فرماید: "گمان مبرید آنهایی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه زنده اند و از لطف و رزق سرشار الهی بهره مند می شوند". و چه زیبا فرمود امام شهید که: "شهدا در قهقهه مستانه شان و در شادی و صولشان عند ربهم یرزقون اند". ولی حیف انسان های پست و دشمنان کور دل نمی دانند چرا که با عروج هر شهید جوانه هایی خواهد روئید که طراوت را دو صد برابر خواهد کرد. انشا الله خداوند روح این شهید بزرگوار را در روز قیامت همراه شهدای کربلا و سالار شهیدان مشهور فرما و دشمنان اسلام و انقلاب را از اینکه هستند خوارتر و ذلیل تر بفرما.

به کوشش: فاطمه محمدزاده

برگرفته از وبگاه: <http://313sangar.mihanblog.com>

شاید بارها از خود پرسیده باشیم که دلیل پدید آمدن انقلاب روحی در مولوی و راه یافتن نام او در جمع عارفان بزرگ و نامدار چه چیزی بوده است.

در تاریخچه ادبیات آمده که روزی شمس وارد مجلس مولانا می‌شود و در حالی که مولانا در کنارش چند کتاب وجود دارد، شمس از او می‌پرسد، این‌ها چیست؟ مولانا جواب می‌دهد، قیل و قال است، شمس می‌گوید، و تو را با این‌ها چه کار است و کتاب‌ها را برداشته و به داخل حوضی که در آن نزدیکی قرار دارد، می‌اندازد. مولانا با ناراحتی می‌گوید، ای درویش چه کار کردی؟ برخی از این کتاب‌ها از پدرم رسیده بوده و نسخه منحصر به فرد است و دیگر پیدا نمی‌شود. شمس تبریزی در این حالت دست به آب برده و کتاب‌ها را یک یک از آب بیرون می‌کشد بدون این‌که آثاری از آب در کتاب‌ها مانده باشد و کتاب‌ها حتا ذره‌ای خیس شده باشند. مولانا با تعجب می‌پرسد، این چه سری است؟ شمس جواب می‌دهد، این ذوق و حال است که تو را از آن خبری نیست. از این ساعت است که حال مولانا تغییر یافته و به شوریدگی روی می‌نهد و درس و بحث را کنار گذاشته و شبانه‌روز در رکاب شمس تبریزی به خدمت می‌ایستد و به قول استاد شفيعی کدکنی تولدی دوباره می‌یابد.

هرچند مولوی در طول زندگی شصت و هشت ساله خود با بزرگانی همچون محقق ترمذی، شیخ عطار، کمال‌الدین عذیم و محی‌الدین عربی حشر و تشرهایی داشته و از هر کدام توشه‌ای برانداخته، ولی هیچ‌کدام از آن‌ها مثل شمس تبریزی در زندگی‌اش تأثیرگذار نبوده تا جایی‌که رابطه‌اش با او شاید از حد تعلیم و تعلم بسی بالاتر رفته و یک رابطه عاشقانه شده، چنان‌که پس از آشنایی با شمس، خود را اسیر دست‌وپا بسته شمس دیده است.

پس از غیبت شمس از زندگی مولانا، با صلاح‌الدین زرکوب آشنا شد. الفت او با این عارف ساده‌دل سبب حسادت عده‌ای شد. پس از مرگ صلاح‌الدین، حسام‌الدین چلبی را به عنوان یار صمیمی خود برگزید، که نتیجه همنشینی مولوی با حسام‌الدین، کتاب مثنوی معنوی شد که حاصل لحظه‌هایی از هم‌صحبتی با حسام‌الدین است. علاوه بر کتاب یادشده، او دارای آثار منظوم و منثور دیگری نیز هست که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مثنوی معنوی به زبان فارسی، غزلیات شمس، که غزلیاتی است که مولانا به نام مراد خود شمس سروده است و رباعیات که حاصل اندیشه‌های مولانا است. فیه ما فیه که به نثر است و حاوی تقریرات مولانا است و گاه در پاسخ پرسشی و زمانی خطاب به شخص معین است. مکاتیب که شامل نامه‌های مولانا است و مجالس سبعة سخنانی است که مولانا در منبر ایراد فرموده است. (گرفته شده از ایسنا)



شهر خوبان است و دارالمؤمنین

جمع درویشان و ارباب یقین

شهر «زریاب» است و مردان خدا

چون «خویی»، پیر حقیقت آشنا

شهر «مراقی» که مرآت خداست

شهر «فانی» آن که با حق دریغاست

شهر «حیران خانم» شوریده حال

آنکه جانش داشت باحق اتصال

شهر «واقف» ها و «تائب» هاست خوی

شهر «سالک» ها و «صاحب» هاست خوی

شهر پیران طریقت آشناست

شهر «بهلول» و دیار «پوریا» ست

شهر «مفتون» شاعر شیرین زبان

شهر «ملا مهر علی» خوش بیان

شارح نهج البلاغه «هاشمی»

از همین شهر خوی است و فاطمی

ای «نوابی» شیخ صاحب حال ما

گو خوش آمدیار نیکو حال ما!

سید «کوثر» تو ای صاحب کمال

ای ستادی از چه درصفت نعال؟

ای طهوری باده ات جان مست کن

با رحیق عشق، یاران مست کن

«فاضلی» برخیز و استقبال کن

پرس و جو از حال اهل حال کن

بزم مستان است و خیل اولیا

ساقی مجلس «حقیر» است و «فنا»

«مظهر» و «دانش» به لب‌ها این شنید

ای گروه همدلان خوش آمدید!

شمس تبریز است اینجا میزبان

کوی ویرزن تهنیت گو بی زبان

مولوی با جمع مستان می‌رسد

با گروه می‌پرستان می‌رسد

شرعی ازایم (صاحب‌دل)



آنکونا کشور ایتالیا به دنیا آمد. او فرزند يك خانواده بسیار متمول بود که از همان ابتدا فرصت‌های فراوانی برای رشد و بالندگی در اختیار داشت. مادر «ماریا» زنی تحصیل کرده و فرهنگی بود که در تربیت فرزند دخترش نهایت سعی و کوشش خود را انجام داد. با تمام روشنفکری مادر ماریا، پدر او، فردی بسیار سنتی بود و از کارها و فعالیت‌های دختر خود هراسناک بود. گفته میشود زمانی که مونته سوری در سن 10 سالگی شدیداً مریض شده بود، رو به مادر نگران خود گفته بود: «نگران نباش مادر، من نمیتوانم بمیرم، بسیاری چیزهاست که باید انجام دهم.» پس از اتمام تحصیلات عمومی، وقتی ماریا مونته سوری با حمایت مادر در دانشکده پزشکی ثبت نام کرد، پدرش که يك کارمند موفق دولت بود برآشفته شد و این کار را توهینی به پیشینه‌ی خانوادگی خود دانست.

علاوه بر آقای مونته سوری بسیاری از آشنایان و بستگان آنها نیز از این اقدام جسورانه‌ی ماریا تعجب کردند و حتی گروهی فکر کردند که مسوولین دانشگاه متوجه نشده اند که ماریا يك دختر است.

در آن سال‌ها حضور دختران در رشته پزشکی کاری غیر ممکن بود و هیچ

دختری از جنبه‌ی اجتماعی جسارت ورود به دانشکده‌ی پزشکی را نداشت. اما ماریا وارد دانشکده شد و در تمام سال‌های تحصیل سعی کرد که دانشجوی نمونه‌ای باشد. در تمام دوره‌ی تحصیل فشار، تحقیر و آزار استادان و دانشجویان دیگر را تحمل کرد.

ماریا مونته سوری سال‌های سال تنها دختر دانشجو در رشته پزشکی بود. و در سن 26 سالگی به درجه دکترای پزشکی نائل آمد نکته جالب این که او نخستین پزشک زن ایتالیاست. ماریا مونته سوری در سال 1986 به عنوان دانشجوی نمونه دانشکده پزشکی نشان افتخار دریافت کرد. در همین سال پدر ماریا پس از سال‌ها قهر و آزدگی به واسطه‌ی موفقیت‌های دخترش مجبور به پذیرش انتخاب او شد. ماریا اولین دختری بود که در کشور ایتالیا از دانشگاه پزشکی فارغ التحصیل شد. طبیعی است که کار کردن در چنین شرایطی ساده و راحت نبود. بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی حاضر به استخدام يك پزشک زن نمی‌شدند و یا بیماران، پزشکان مرد را به پزشک زن ترجیح می‌دادند. ماریا مونته سوری مبارزه دیگری را آغاز کرد. در همین سال‌ها نام مونته سوری برابر با جسارت، گستاخی و سرسختی او در کار و آرمان‌هایش بود. به دلیل سختی بازار کار، او سرپرستی یکی از مراکز کودکان بیمار و معلول را پذیرفت و در همین سال‌ها سعی کرد که فرصت‌های فراوانی را برای بهداشت و درمان آنها فراهم کند. او درحین کار متوجه برنامه‌های آموزشی و تربیتی کودکان شد. او دریافت که محیط این گروه از کودکان هیچ فرصتی را برای به وجود آوردن تجربه‌های نو و ارزشمند فراهم نمی‌کند. به همین دلیل سعی کرد تا برنامه‌های متعددی را در این زمینه برای کودکان معلول به وجود بیاورد. کار برای کودکان از همین سال‌ها برای او جدی و مهم شد. وقتی که عرصه‌ی فعالیت برای او تنگ شد، تصمیم گرفت که در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، فلسفه و مردم‌شناسی مطالعه کند. باز هم به دانشگاه بازگشت و در

تحصیل در رشته روان‌شناسی او را با معلمان بزرگی چون فروبل، پستالوژی و روسو آشنا کرد. او در این مسیر با الگوهای باز آشنا شد و به مشکلات و مسایل آموزش کلاسیک پی برد. او که از دوران کودکی تحت فشار برنامه‌های آموزشی خشک مدارس بود، تصمیم گرفت تا فرصت‌های متنوع دیگری را برای کودکان فراهم کند. او در این مسیر آموخت که نمی‌تواند به شیوه کارشناسان رفتارنگر کودکان را مجبور به فراگیری یکسری از اصول و یا اطلاعات کند. او معتقد بود که کودکان باید حق انتخاب داشته باشند و در انجام کارهای خود آزادی را تجربه کنند. به این منظور الگویی جدید را در آموزش کودکان خردسال آغاز کرد.

در سال 1906 مسوولیت يك مرکز با 50 کودک بسیار فقیر، در یکی از محله‌های فقیرنشین حومه رم (محله سنت لورنزو) را، به عهده گرفت. مردان و زنان این محله مجبور به کار در معدن‌های مختلف بودند و یا به شغل‌های بسیار سخت و طاقت فرسا تن می‌دادند. کودکان این خانواده‌ها در محیط بی‌روح، بی‌رنگ و فاقد امکانات اولیه زندگی می‌کردند. در ابتدا مونته سوری قرار بود که به وضعیت بهداشتی این گروه از کودکان بپردازد، اما با تجربه‌های قبلی و با دانشی که به دست آورده بود، به برنامه‌های آموزشی کودکان پرداخت و سعی کرد تا فرصت‌های متنوع آموزشی را برای این گروه از کودکان به وجود بیاورد. مونته سوری سال‌ها مبحث صلح و آموزش کودکان را در برنامه‌های خود دید و به عنوان يك مدافع صلح در

آموزش کودکان فعالیت کرد. او در سال 1946 به انگلستان رفت و به تکمیل تحقیقات خود پرداخت. او در طی سال‌های فراوان سعی کرد که از مدرسه‌هایی که مدافع الگوی باز و یا در مقابل رفتارگراها بودند حمایت کند. ماریا مونته سوری در اواخر عمرش از طرف مراکز معتبر علمی و بین‌المللی افتخارات فراوانی دریافت کرد که بخشی از آنها عبارتند از :

- مدال افتخار یونسکو در آموزش

- مدال افتخار خانواده سلطنتی ملکه انگلستان در امر آموزش کودکان

- دکترای افتخاری فلسفه از دانشگاه آکسفورد

- الگوهای آموزشی مونته سوری در کشورهای مختلف مورد استقبال فراوان قرار گرفت. در کشور آمریکا تقریباً از دهه‌ی 80 میلادی تلاش‌هایی برای راه‌اندازی مهدهای کودک و مدارس مونته سوری آغاز شد. مدافعین و طرفداران مونته سوری سعی کردند تا با تغییرات، روز آمد کردن و بهسازی این الگو، از روش‌ها و دیدگاه‌های مونته سوری در مراکز آموزشی خود استفاده کنند. در حال حاضر کشور آمریکا و انگلستان از مراکز مهم ترویج و گسترش این الگوی آموزشی هستند. همچنین صدها مرکز آموزشی در سراسر دنیا براساس چنین الگویی کار می‌کنند و خدمات خود را ارائه می‌دهند.

Education for All (EFA)

The Education for All (EFA) movement is a global commitment to provide quality basic education for all children, youth and adults. At the World Education Forum (Dakar, 2000),

164 governments pledged to achieve EFA and identified six goals to be met by 2015.

Governments, development agencies, civil society and the private sector are working together to reach the EFA goals.

The Dakar Framework for Action mandated UNESCO to coordinate these partners, in cooperation with the four other convenors of the Dakar Forum (UNDP, UNFPA, UNICEF and the World Bank). As the leading agency, UNESCO focuses its activities on five key areas: policy dialogue, monitoring, advocacy, mobilisation of funding, and capacity development.

In order to sustain the political commitment to EFA and accelerate progress towards the 2015 targets, UNESCO has established several coordination mechanisms managed by UNESCO's EFA Global Partnerships team.

Global Action Week 2012 (22-28 April)

Under the slogan "Rights from the Start! Early Childhood Care and Education Now!", Global Action Week 2012 will focus on the first of the six Education for All Goals .

<http://www.unesco.org/news/en/education/themes/leading-the-international-agenda/education-for-all>

- متولد چه سال و کدام شهر هستید، دارای چند فرزند بوده و تحصیلاتشان چیست؟ من متولد 27 آبان سال 1342 شهرستان خوی هستم. دارای دو فرزند پسر به نام های سعید و محمد. سعید فرزند بزرگترم دانشجوی دکترای حرفه ای داروسازی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ترم 4 و محمد فرزند کوچکترم دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی است.
- رشته تحصیلاتان در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری چیست؟ رشته تحصیلی دوره کارشناسی علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران و در حال حاضر دانشجوی دوره دکتری مطالعات برنامه درسی (برنامه ریزی درسی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات اصفهان (خورسگان) هستم.
- تا به حال چه مقاله هایی داشته اید و موضوعشان چه بوده؟ تا به حال 3 طرح پژوهشی در سطح استان انجام داده ام و دو طرح پژوهشی را نظارت کرده ام، دبیر علمی سه همایش استانی، حدود پانزده مقاله در نشریات داخلی مراکز آموزش عالی شهرستان خوی و همچنین یک مقاله در کنفرانس بین المللی کشور ترکیه (قونیه)، دو مقاله در کنفرانس ملی آموزش علوم انسانی دانشگاه تهران و پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی، سه مقاله در همایش بین المللی کیفیت در آموزش عالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان با همکاری انجمن برنامه ریزی درسی ایران که مقالات برگزیده در 31 مهر و اول آبان ارائه خواهد شد. برای تز دوره دکتری روی موضوع "مولفه های سازگاری برنامه های درسی تربیت معلم با برنامه های درسی مقطع ابتدایی آب" کار می کنم تا ان شاءالله به پایان برسانم.
- سوابق کاریتان را در مدارس و دانشگاه های مختلف شرح دهید. از سال 1364 وارد آموزش و پرورش شدم. بعد از سالها تدریس و معاونت در مدارس راهنمایی شهرستان چابهار وارد دوره کارشناسی دانشگاه تبریز شدم. در سال 1370 جهت تدریس در دانشسرای تربیت معلم شهید بهشتی به شهر چالدران منتقل شدم و 4 سال به آموزش دانشجو معلمان آن دانشسرا پرداختم. در ضمن تدریس در دوره کارشناسی ارشد نیز پذیرفته شدم و در سال 1373 کارشناسی ارشد خود را اخذ و از سال 74 تاکنون در تربیت معلم شهید مطهری خوی به عنوان مدرس موظف تدریس می کنم. از سال 74 تاکنون در تمامی مراکز آموزش عالی خوی اعم از آموزشکده فنی و حرفه ای (مهديه)، دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور، دانشگاه علوم قرآنی، دانشکده پرستاری به تدریس دروس تربیتی از جمله روش تحقیق و آمار، برنامه ریزی درسی، مقدمات تکنولوژی آموزشی، روش تدریس علوم اجتماعی و ... پرداخته ام. به طور کلی از سال 70 تاکنون در خدمت تربیت معلم بودم و هستم. همچنین 10 سال به عنوان هیئت علمی نیمه وقت، معاون آموزشی دانشکده علوم قرآنی خوی خدمت نموده ام و بیش از 12 سال به عنوان مدیر گروه رشته مربی کودک و مدیریت خانواده در خدمت دانشجویان آموزشکده فنی و حرفه ای بوده ام.
- از این که سرپرست دانشگاه فرهنگیان خوی هستید راضی هستید؟ همانگونه که خود از گوشه و کنار و اخبار دانشگاه مطلع هستید، در شرایطی مرکز آموزش عالی شهید مطهری خوی را تحویل گرفتم که اوضاع چندان مناسبی نداشت ولی به قول معروف چون عاشق تربیت معلم هستم راضی هستم به رضایش. البته بنده زمانی بیشتر راضی خواهم بود که دانشجویان از محیط کلاس و فضای مرکز لذت ببرند.
- آیا از همکارانتان رضایت دارید و چه انتظاری از آنها دارید؟ من از اکثر کارکنان رضایت دارم و تا آنجایی که توانستم پیش بروم با کمک آنها بوده است. ولی در شرایطی که بنده کار سه نفر را انجام میدهم و کلی مخارج و هزینه و زمان صرف رفع این موارد می کنم، بسیار متاسفم از همکارانی که نه تنها دستم را نمی گیرند بلکه پایپچ نیز می شوند و خدا بسیار بزرگ و آگاه است. انتظارم از همکارانم چه در کسوت استادی و چه در کسوت کارمندی آن است که همدیگر و دانشجویان را بیشتر مورد توجه و عنایت خود قرار دهند. دانشجویان ولی نعمت ما هستند و تمام تلاش این مرکز و کل مجموعه دانشگاه فرهنگیان آن است که به خواسته دانشگاه که تربیت معلمانی در طراز جمهوری اسلامی است جامه عمل بپوشانند.
- آیا راضی هستید که فرزندانان در این دانشگاه تحصیل کنند؟ تحصیل در هر دانشگاه و رشته ای به علاقه و انگیزه افراد بر می گردد. لذا اگر بچه هایم علاقه داشته باشند که در چنین مراکزی تحصیل کنند مانع کار آنها نبوده و نخواهم شد.
- چه دیدی نسبت به دانشجویان فرهنگی دارید و از آنها چه انتظاری دارید؟ دیدم نسبت به دانشجویان آینده خوب و روشن انهاست. البته با توائتی که در آنها می بینم اگر بتوانند تحصیلات خود را به نهایت برسانند همین دانشجویان جزو
- جزو اعضای هیئت علمی همین دانشگاه فرهنگیان و یا معلمان باسواد و جوان این کشور خواهند بود و یا جزو مدیران ارشد که در بخش های مختلف وزارت آموزش و پرورش به خدمت مشغول خواهند شدم. ضمناً افق دید انسان نسبت به دانشجویان زمانی وسیع تر می شود که رتبه های زیر هزار در پرونده های آنها ثبت شود که این قضیه حکایت از آن دارد که معلمان آینده افرادی درس خوان و اهل تفکر و بینش هستند.
- در حال حاضر بزرگترین مشکلات دانشگاه چیست و چه راه حلی برای آنها دارید؟ در حال حاضر بزرگترین مشکل واحد های تابعه (مراکز تابعه) دانشگاه فرهنگیان نداشتن چارت سازمانی است که از مدت ها پیش در فکر آن هستم و بخش

از آن در هفته اخیر به دست ما رسید و منتظر نسخه نهایی آن و تصویب پست های سازمانی در بدنه دانشگاه و پردیس ها و مراکز جهت ارتقاء وجهه علمی دانشگاه هستیم که از قالب و ساختار سنتی خود خارج و در قالب جدیدی قرار گیرد. به قول جناب آقای مهرمحمدی تربیت معلم در حال پوست اندازی است. این مشکل باید از طریق هیئت امنای دانشگاه در سازمان مرکزی حل شود.

- برای حل مشکلات خوابگاه مثلاً کاهش نفرات اتاق ها چه تدابیری اندیشیده اید؟ به کمک خدا و کارکنان در اولین فرصت خوابگاه شماره 2 را افتتاح می کنیم و با انتقال تعدادی از دانشجویان آن شالله تعداد انشجویان را در هر اتاق به 8 نفر می رسانیم.

- در پایان یک قول قشنگ به بچه های دانشگاه بدهید. تکمیل کتابخانه مرکزی با خرید نزدیک 20 میلیون تومان کتاب از طریق سازمان مرکزی ، برگزاری تریبون های آزاد اندیشی و جلسات پرسش و پاسخ و نشست های علمی ، اجتماعی و فرهنگی از اولویت های دانشگاه است.

زمین اگر برابر کمشان تکرار شود حجم حقیری است که کنجایش بلندی تو را نخواهد داشت

قلمرو نگاه تو دور تر از پیداست و چشمان تو معبری که ابرها را ز باران راد آن سجده میکنند

این فرشته تا حتی نمیدانند که نمی از تو هنوز ناکشوف مانده است

زمین بی تو تا ناول معلقی است بر سینه‌ی آسمان و خورشید اگر چه بزرگ است

هنوز کوچک است اگر با جبین تو برابر شود دنباله‌ی تو بخجل خورشید است

شاید فقط خاک نامعلوم قیامت ظریف تو رودارد

زمین اگر چشم داشت بزرگواری تو این سان غیب نمیاند

پنج جراتی جز قلب تو نخواست سپید ترا سپیده بر شقیقه‌ی صبح ایستاده‌ای و از حب خویش خورشیدی پرکنی

ای معنویت نامحدود زود است حتی در زمین نام تو برده شود.

زمین فقط پنج سال به عدالت تو داد و سبزی این سال با تندی آن جویبار بزرگ است

که از سرچشمه‌ی نپیدایی جوشید و گرنه خاک را بی تو جرات آبادانی نیست

تو را بادیده‌های مانوس می‌بخم من اگر میدانستم پشت آسمان چیست تو بهمانی.

تو آن بهار نامائی که زمین عقیتم دیگر هیچگاه بر این تجربه‌ی سبز تن نداد

آن یک بار نیز در ظرف تنگ فهم او ننجیدی شد در روز بی قراری پلک‌های تو مست و گرنه خورشید به نور آفتنی خود امیدوار نیست

صبح انگاس بخند تو ست که دم مرگ به جای آوردی

آن قیمت از زمین که نام تو را نبرد یخند است

ای پهناوری که عشق و شمشیر را بیک بستر آوردی دنیا نمی تواند بدانی تو کیستی

شعر از سلمان حراقی به کوشش رویا سدی

شبى (رئيس جمهورى يك كشور به همراه همسرش تصميم گرفتند كه كارى غيرعادى انجام دهند و براى شام به رستورانى كه زياد هم گران قيمت نبود، بروند.

وقتى آنها به رستوران رفتند صامب رستوران از معافان (رئيس جمهور پارسيد كه آيا مى تواند فصوصى با همسر (رئيس جمهور صمبت كند ، آنها اجازه دادند.

همسر (رئيس جمهور به طور فصوصى با آن مرد صمبت كرد.

بعد از آن (رئيس جمهور از همسرش پارسيد كه چرا او اين همه مشتاق فصوصى صمبت كردن با تو بود؟

همسرش گفت كه صامب رستوران گفته در ايام جوانيش ديوانه وار عاشق او بوده است ... سپس (رئيس جمهور گفت و اگر تو با او ازدواج مى كردى اکنون صامب اين رستوران بودى .

همسر (رئيس جمهور در پاسخ گفت: اگر من با او ازدواج مى كردم او الان (رئيس جمهور بود...

ژاپن: به شدت مطالعه مى كند و براى تفريح ربات مى سازد!

مصر: درس مى خواند و هر از گاهى بر عليه حسنى مبارك، در و پنجره دانشگاهش را مى شكند!

هند: او پس از چند سال درس خواندن عاشق دخترى مى شود و همزمان برادر دوقلويش كه سالها گم شده بود را پيدا مى كند. سپس ماجراهاى عاشقانه پيش مى آيد و سرانجام آندو با هم عروسى مى كنند و همه چيز به خوبى و خوشى تمام مى شو!

عراق: مدام به تير ها و خمپاره هاى تروريست ها جاخالى مى دهد و در صورت زنده ماندن درس مى خواند!

چين: درس مى خواند و در اوقات فراغت مشابه يك مارك معروف خارجى را مى سازد و با يك دهم قيمت جنس اصلى مى فروشد!

اسرائيل: بيشتر واحدهاى كه او پاس كرده، عملى است او دوره كامل آموزشهاى رزمى و كماندوبى را گذرانده! مادرزادى اقتصاد دان به دنيا مى آيد **گينه!** او منتظر است تا اولين دانشگاه كشورش افتتاح شود تا به همراه بر و بچ هم قبيله اى درس بخواند!

كوبا: او چه دلش بخواهد يا نخواهد يك كمونيست است و بايد باسواد باشد و همچنين بايد براى طول عمر فيدل كاسترو و جزجگر گرفتن جميع روساى جمهورى امريكا دعا كند!

پاكستان: او بشدت درس مى خواند تا در صورت كسب نمره ممتاز، به عضويت القاعده يا گروه طالبان در بيايد!

اوگاندا: درس مى خواند و در اوقات بىكارى بين كلاس؛ چند نفر از قبيله توتسى را مى كشد!

انگليس: نسل دانشجوى انگليسى در حال انقراض است و احتمالا تا پايان دوره كواترنارى!! منقرض مى شود ولى آخرين بازماندگان اين موجودات هم درس مى خوانند!

ايران: عاشق تخم مرغ است! سركلاس عمومى چرت مى زند و سر كلاس اختصاصى جزوه مى نويسد! معمولاً ليگ تمام كشورهاى بالا را دنبال مى كند! عاشق عبارت «خسته نياشيد» است، البته نيم ساعت مانده به آخر كلاس! هر روز دوپرس از غذاى دانشگاه را مى خورد و هر روز به غذاى دانشگاه بد و بيراه مى گويد! جزء قشر فرهيخته جامعه محسوب مى شود ولى هنوز دليل اين موضوع مشخص نشده كه چرا صاحبخانه ها جان به

عزرائيل مى دهند ولى خانه به دانشجوى پسر نمى دهند! او چت مى كند! خيابان متر مى كند، و در يك كلام عشق و حال مى كند! همه كار مى كند جز اينكه درس بخواند نسل دانشجوى ايرانى درسخوان در خطر انقراض است! از من مى شنوين بى خيال دانشگاه بشين بهتره (تفريحات بهتر و كم دردسزتر هست) خود دانيد.

مجربى: تو فعاليت نميكشى معدلت ۱۵ شده؟ پسرعمه: نه!

مجربى: ميدونى بچه ى آقاى اكبرى بيست شده؟ پسرعمه: ميدونى آقاى اكبرى واس بچه ش پلى استيشن فريده؟

مجربى: چه ربطى داره؟! پسرعمه: هروقت شما عين آقاى اكبرى شدى منم عين بچه ش ميشم!

مجربى: فب من اونقدر پول ندارم! پسرعمه: منم اونقدر مگ ندارم!

مجربى: ينى من اگه واس تو پلى استيشن بفرم درس ميغوى؟! پسرعمه: آدم وقتى پلى استيشن داره مگه فله بشينه درس بفونه؟

مجربى: بچه ى آقاى اكبرى كه هم پلى استيشن داره هم درس ميغونه! پسرعمه: آها...مالا فهميدى اين بچه فله؟! پس انقدر سر كوفتشو به من نزن!

بیماری اوتیسم (درخودماندگی یا Autism) یکی

از بیماری های جدی گروه بیماری های رشدی اختلالات طیف اوتیسم بوده که در اوایل دوره کودکی (معمولا قبل از 3 سالگی) ظاهر می شود. هرچند علایم و شدت آن در افراد مختلف، متفاوت است، اما همه انواع اوتیسم بر توانایی برقراری ارتباط با دیگران توسط کودک، تأثیر می گذارد. بنظر می رسد که تعداد کودکان مبتلا به اوتیسم در حال رشد است. هرچند درمان و شفای کاملی برای درمان اوتیسم وجود ندارد، اما درمان جدی و بموقع اوتیسم تغییرات بزرگی در زندگی کودکان مبتلا به بیماری ایجاد می کند.



علایم مبتلا به اوتیسم: علایم و نشانه های اوتیسم بیشتر اوقات قبل از سن 3 سالگی شروع به ظهور می کنند. در اوایل والدین کودک مبتلا به اوتیسم متوجه می شوند که کودکشان شروع به صحبت کردن نکرده و مانند سایر کودکان هم سنش رفتار نمی کند. اما اینکه کودک مانند سایر کودکان و در سن آنها شروع به صحبت کرده و بعد مهارت های کلامی خود را از دست دهد، نیز ممکن می باشد. علایم اوتیسم شامل:

- تاخیر در یادگیری صحبت کردن و یا اصلا صحبت نکردن.
- کودک ممکن است ناشنوا بنظر برسد حتی اگر آزمایش شنوایی سنجی را طی کرده و نتایج آزمایش شان نرمال باشد.
- انواع رفتارها، علایق و بازی های تکراری. برای مثال تاب خوردن مداوم، علاقه غیرطبیعی به بعضی از اشیاء و ناراحت شدن در صورت تغییر برنامه روتین زندگی.
- ناتوانی در گفتن اسم، برقراری ارتباط چشمی، اجتناب از نوازش شدن و بقل شدن و یا کمک نخواستن.
- ناتوانی از شروع مکالمه و صحبت با دیگران و یا عدم توانایی در حفظ مکالمات.
- حساس بودن به نور، صدا و یا لمس شدن و در عین حال بی توجه به درد.
- عادات غذایی عجیب، همچون خوردن تعداد کمی از انواع غذا و یا خوردن مواد غیرخوراکی همچون گچ یا خاک.
- رفتار خودزنی مثلا کوبیدن سر به زمین یا دیوار و یا با دست ها.

کودکان مبتلا به اوتیسم در رفتار با دیگران مشکل داشته باشند. زمانیکه این کودکان بزرگتر می شوند بعضی از آنها ممکن است بیشتر علاقه ارتباط با دیگران داشته و کم تر دچار پریشانی شوند. بعضی دیگر تقریبا سبک زندگی نزدیک به سبک زندگی سالم و عادی دارند. با اینحال سایر این کودکان باز هم در مهارت های زبانی و اجتماعی دچار مشکل بوده و دوران نوجوانی و بلوغشان بیماری آنها را شدید تر کند.

اغلب کودکان مبتلا به اوتیسم در یادگیری علم و مهارت کند بوده و بعضی از آنها نشانه هایی از هوش پایین را نشان می دهند. سایر کودکان مبتلا به اوتیسم در یادگیری مشکلی نداشته اما در ارتباط اجتماعی، کلامی و زندگی طبیعی مشکل داشته باشند. تعداد کمی از کودکان مبتلا به اوتیسم بصورت بلقه توانایی های بالایی داشته و مهارت های مثال زدنی در بعضی از مهارت های خاص همچون هنر، موسیقی و یا ریاضی از خود نشان می دهند.

دلایل ابتلا به اوتیسم: بنظر می رسد که اوتیسم نوعی بیماری ژنتیکی و ارثی می باشد. دانشمندان در تلاش اند تا ژنی که باعث ابتلای افراد به این بیماری می شود را پیدا نمایند. همچنین محققان هم اکنون بر روی عوامل محیطی همچون عفونت های ویروسی، عوارض و مشکلات حین بارداری و آلوده کننده گان هوا در حال تحقیق هستند، تا بدانند این مشکلات باعث ابتلای کودکان به بیماری اوتیسم می شود یا نه.

تحقیقات زیادی بر روی رابطه بین اوتیسم و واکسن ها بخصوص واکسن سرخک، اوریون، سرخجه (MMR) انجام شده ولی نتوانسته اند رابطه ای بین استفاده از این واکسن و ابتلا به اوتیسم پیدا نمایند. اجتناب از این واکسن ها کودک را در خطر ابتلا به بیماری های خطرناکی همچون سیاه سرفه و یا سرخک و سرخچه قرار می دهد.

عواملی که خطر ابتلا به اوتیسم را افزایش می دهند: همه کودکان از هر نژاد و یا ملیتی ممکن است دچار بیماری اوتیسم شوند، اما عواملی خاص که در ادامه می آیند می توانند خطر این بیماری را افزایش دهد، این عوامل شامل:

- جنسیت کودک - پسر ها چهار تا پنج برابر بیشتر در خطر ابتلا به بیماری اوتیسم هستند.

در خانواده هایی که یک کودک مبتلا به اوتیسم وجود دارد، خطر اینکه کودکی دیگر با این بیماری داشته - سابقه خانوادگی باشند بیشتر است. همچنین خیلی غیرمعمول نیست که پدر و مادر و یا سایر اقوام نزدیک کودک مبتلا به اوتیسم، در ارتباط با دیگران و ... مشکلاتی داشته باشند.

سایر اختلالات - کودکانی که بیماری خاصی دارند بیشتر از کودکان سالم در خطر ابتلا به بیماری اوتیسم هستند.

- سن والدین - ممکن است بین سن والدین و ابتلای کودک به اوتیسم رابطه ای وجود داشته باشد. اعتقاد بر این است که فرزندان والدین بزرگسال بیشتر از دیگران در خطر ابتلا به این بیماری هستند. بالینحال تحقیقات بیشتری در این رابطه مورد نیاز است.

نحوه درمان اوتیسم: هرچند درمان کاملی برای بیماری اوتیسم وجود ندارد، ترکیبی از درمان های خانگی و مدرسه ای می تواند به درمان این بیماری کمک نماید. هدف درمان افزایش عملکرد کودک با کاهش شدت بیماری می باشد. پزشک کودکان بسته به مشکل و شدت آن یکی از درمان های زیر و یا ترکیبی از آنها را پیشنهاد می کند.



- درمان های رفتاری و ارتباطی
- درمان های آموزش
- درمان های خانوادگی
- درمان دارویی

کودکان مبتلا به اوتیسم ممکن است به بیماری های دیگر ناشی از اوتیسم همچون بیماری صرع، اختلالات خواب و مشکلات معده باشند و باید در کنار درمان اوتیسم به درمان این بیماری ها هم پرداخت.

پیشگیری از اوتیسم: هنوز هیچ راهی برای پیشگیری از ابتلای کودک به اوتیسم یافت نشده است. با اینحال با درمان بموقع بیماری بهبود یافته و مهارت های اجتماعی و کلامی کودک ارتقا پیدا می کند. اگر کودک شما مبتلا به اوتیسم است با مراجعه به مشاوران و متخصصان برای آشنایی با راههای مختلف بهبود کودک، به کودکان کمک نمایید. درمان بموقع برای کودک مفید بوده، زندگی را برای او آسان تر کرده و از افزایش شدت بیماری اوتیسم پیشگیری می نماید.

<http://rastineh.ir>



شرلوک هلمز، کارآگاه معروف، و معاونش واتسون رفته بودند صحرانوردی و شب هم چادری زدند و زیر آن خوابیدند... نیمه های شب هلمز بیدار شد و آسمان را نگرینست؛ بعد واتسون را بیدار کرد و گفت: نگاهی به بالا بینداز و به من بگو چه می بینی؟!

واتسون گفت: میلیون ها ستاره می بینم!

هلمز گفت: چه نتیجه ای می گیری؟!

واتسون گفت: از لحاظ روحانی نتیجه می گیرم که خداوند بزرگ است و ما چقدر در این دنیا حقیریم

از لحاظ ستاره شناسی نتیجه می گیرم که زهره در برج مشتری است، پس باید اوایل تابستان باشد

از لحاظ فیزیکی نتیجه می گیرم که مریخ در محاذات قطب است، پس باید ساعت حدود سه نیمه شب باشد!...

شرلوک هلمز قدری فکر کرد و گفت: واتسون! تو احمقی بیش نیستی! نتیجه ی اول و مهمی که باید بگیری این است که چادر ما را دزدیده اند!!!

نقش معلم از دیدگاه ابوعلی سینا

این متن ترجمه ای است از قسمتی از مقاله AVICENNA بقلم عبدالرحمان ال نقیب که توسط دفتر بین المللی تعلیم و تربیت یونسکو در اثری بنام The quarterly review of comparative education منتشر شده است.

ابن سینا دریافت که انتخاب یک معلم خوب و دادن آموزشهای نظری و اخلاقی به او چقدر مهم است، در واقع، نقش معلم در تعلیم و تربیت جوانان از آشنا کردن آنها با حقایق و دانش ها فراتر است. برای دانش آموزانی که از معلمانشان خلق و خو و منش ها و عقاید و ارزش ها را می آموزند، ابن سینا تاکید می کند معلم بایستی شخص عالی و ممتازی باشد. باید ارزش های جامعه و فضائل اخلاقی را تشخیص دهد بطوریکه دانش آموزان بعنوان یک الگو و راهنما از او تبعیت کنند.

ابن سینا می گوید:

معلم باید با هوش باشد. یک مرد مومن، ماهر در آموزش کودکان، با وقار، متین، بدور از کارهای ابلهانه و بذله گویی ها. بدون سبک سری و سستی در حضور جوانان، نه سفت و سخت و نه سست و کند. در مقابل او باید با فهم و مهربان باشد. پاک و پاکدامن و درست کردار. فضایل نیکو را برای کسب سربلندی و افتخار و راه و روش درست در جامعه را میداند.

ابن سینا متوجه شد که معلم نه تنها دانش و حقایق را به دانش آموزان بیان می کند بلکه برای آنها ارتباط با آن عقاید و ارزش ها را به ارمغان می آورد که به آن باور دارند. همان راه و روش و فضائل که او از آن برخوردار است.

اگر او به نوبه خود دانش را با مراقبت و حساسیت انتقال بدهد، دانش آموزانش از راه و روش او و ارزشهایش تقلید خواهند کرد - در روند "یادگیری با تقلید" - بدون دردرس و بدون اینکه متوجه آن شوند.

این نگاه در تفکر آموزشی ابن سینا، او را به عنوان یک متفکر مهم با نظرات آموزشی متمایز نشان می دهد، با دلایل بسیار، ما امروزه سهم بزرگی از آموزه های او در امر آموزش داریم.

The text was originally published in

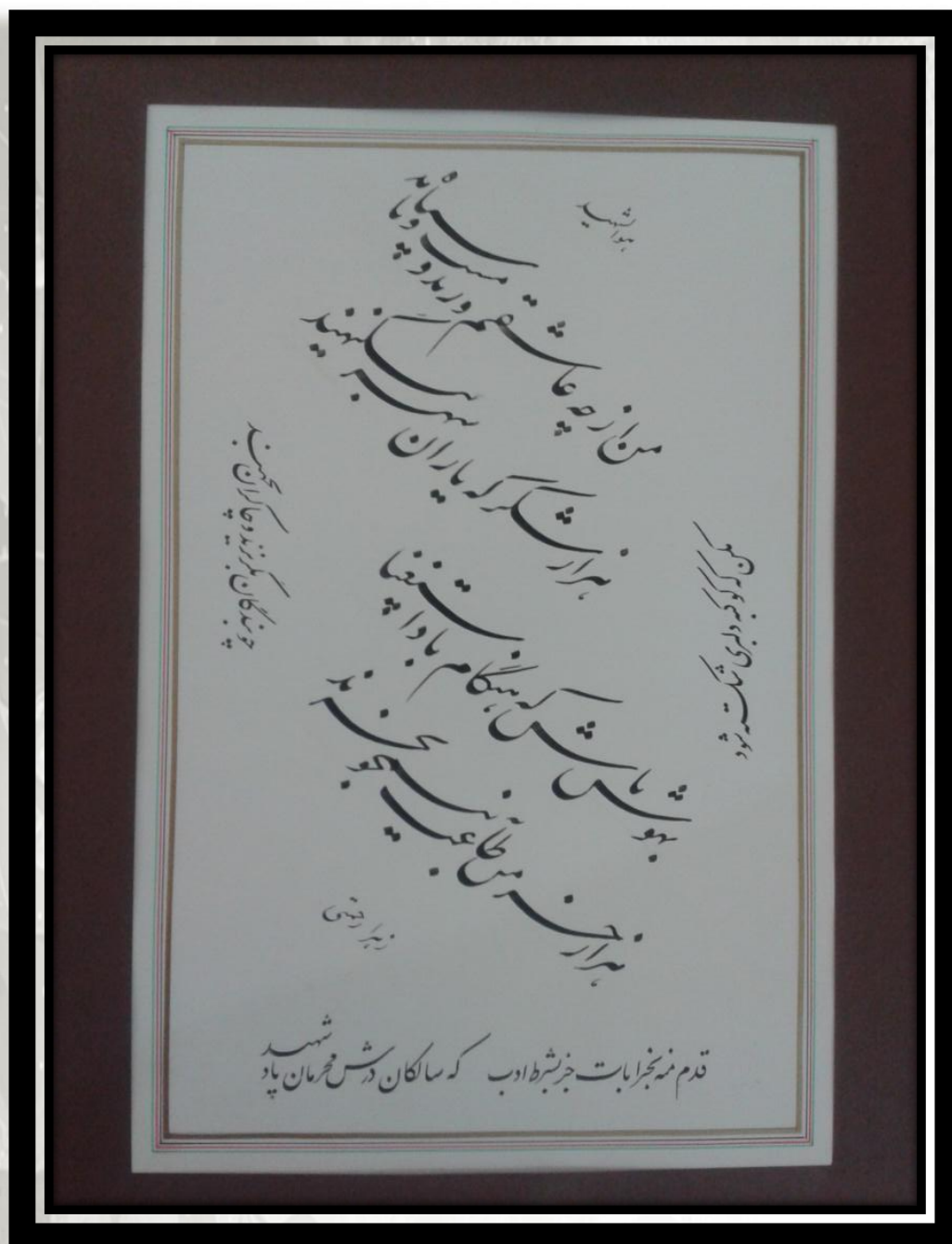
Prospects: the quarterly review of comparative education

(Paris, UNESCO: International Bureau of Education), vol. XXIII, no. 1/2, 1993, p. 53-69.



ترجمه از بهنام موفق کارشناس ارشد علوم تربیتی

گرفته شده از وبگاه: Raaherooshan.blogf.com



خطی از زهره رحمتی نغراول کشور در جشنواره فرهنگی و هنری دانشگاه فرهنگیان در رشته خطاطی

دوستم که به اسپانیا سفر کرده بود فاطره جالبی رو تعریف کرد: میگفت در یکی از روستاهای اسپانیا وارد قهوه فانه ای شدم و برای فود و همراهم قهوه سفارش دادم. در مالی که روی میز منتظر سفارشمان بودیم در کمال تعجب دیدیم که بعضی از مشتریان جلوی پیشفوان آمده و در مالی که فودشان تنها بودند سفارش دوتا پای و یا دوتا قهوه میداند و میگفتند یکی برای فودم و یکی برای دیو. از نوع سفارش در میرت ماندیم. متوجه شدیم که بعد از هر اینگونه سفارش پیشفدمت یک برگه کوپک که روی آن پای و یا قهوه نوشته است به دیوار پشت سرمان چسباند و جالب اینکه دیوار پشت سرما پر از این برگه ها بود. در ذهنمان هزاران فکر به وجود آمد که دلیل اینکار چیست و این حرکت یعنی چه. در افکار فود غوطه ور بودیم ... آدم فقیر و ژنده پوشی وارد قهوه فانه شد و سفارش یک قهوه داد اما با این جمله " ببخشید بی زحمت یک قهوه از مساب دیوار " و پیشفدمت یکی از کاغذها را روی آن قهوه نوشته بود از روی دیوار برداشت و پاره کرد و یک قهوه به آن مرد فقیر داد بدون آنکه از آن مرد پولی بگیرد



کتاب راهنمای جامع روش و اصول صحیح مطالعات آزاد

نام کتاب : راهنمای جامع روش و اصول صحیح مطالعات آزاد

نویسنده : وحید لهراسبی

ناشر : [پارس بوک](#)

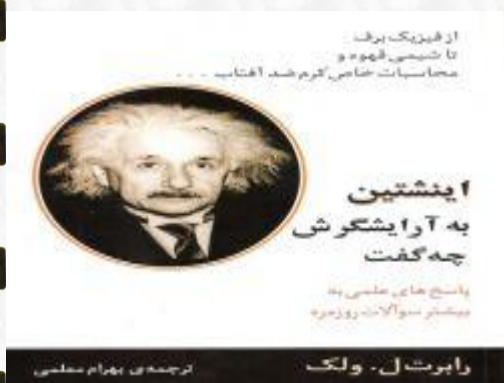
زبان کتاب : پارسی

تعداد صفحه: 47

قالب کتاب: PDF :

مطالعه پله های ترقی و پیشرفت تمام ملت ها و فرهنگ های جهان، و بال های به اوج رسیدن همه و همه ی اندیشمندان، دانشمندان و متفکران دنیا بوده و هست و خواهد بود، ولی نه هر نوع مطالعه ای و نه خواندن هر کتابی! شاید این دقیقاً همون انگیزه و دلیل اولیه ی نگارش این کتاب باشه. کتابی که بوجود اومده تا جواب سه سوال رو بده: چرا بخونم، چطور بخونم و چی بخونم. کتابی که اومده تا بگه میشه هنوزم با وجود این همه مشکلات و مشغلات زندگی مدرن امروزی و درس و دانشگاه و کار و زن و بچه و شش سر عاقله، رمان خوند، شعر خوند، قصه خوند، اصلاً خوند، اونم نه هرچی، کتاب خوب خوند. کتابی که اومده تا فریاد بزنه که آهاااای مردم، هنوزم کتاب خوب هست، دوست خوب هست، راهنمای خوب هست!

کتاب [اینشتین به آرایشگرش چه گفت](#)



عنوان : اینشتین به آرایشگرش چه گفت

نویسنده : رابرت ل. ولک

مترجم : بهرام معلمی

ناشر : مازیار

سال نشر : چاپ اول 1388

چه چیزی قالب یخ را مات می کند؟ حمله ی کوسه ها چگونه هواپیما را ایمن و بی خطر می کند؟ آیا کسی که در اتومبیل با سرعت صوت حرکت می کند می تواند صدای رادیو را بشنود؟
آیا غالباً خودتان را در حال فکر کردن به معمای کوچک حیات یافته اید؟ آیا هرگز به فکرتان رسیده که چرا رنگ آب اقیانوس آبی است؟ یا چرا پرندگانی را که روی خطوط انتقال برق فشار قوی نشسته اند، برق نمی گیرد؟ رابرت ل. ولک، استاد ممتاز شیمی دانشگاه پیتزبورگ و مولف تحسین شده ی کتاب اینشتین چه چیزی را نمی دانست، نیاز به فهمیدن، و خوب فهمیدن را درک می کند. وی اکنون توضیحات جالب تری را در مورد پدیده های روزمره ای چون نیروی گرانش (اگر در آسانسوری در حال سقوط باشید، آیا پریدن به بالا در آخرین لحظه نجات تان می دهد؟) و صوت (چرا رام کننده ی شیر صدای غرش شلاق را در می آورد؟)، در کنار مطالب فوق حقایق شگفت دیگری در این کتاب آمده است.
اگر گلوله ای به هوا شلیک کنید، آیا وقتی این گلوله پایین می آید می تواند کسی را بکشد؟
می توانید درباره ی تمام این پرسش ها و پرسش های دیگر در قالب ارز و رمزهای طبیعتی که در آن زندگی می کنیم، پاسخ های جالبی بیابید.

عید غدیر خم بر ہمگان مبارک باد

فصل اول
مہینہ میلاد النبی

فصل اول
مہینہ میلاد النبی